

Investigating the Characteristics of the Literary Style of Bital Ajam from the Point of View of Expression Science

Roghayyeh Ajami^۱, Maliheh Mahdavi^۲, Masoud Mahdian^۳

Abstract

Manuscripts are valuable works that explain an important part of a country's life in terms of history, identity, religion and culture. One of the important and historical manuscripts is Bital Ajam, which is one of the fictional texts of ancient India translated into Persian in India in the ۱۳th century by Maharaja Madhu Kishan and his brother Indra Kishan Bahador. The purpose of this research is to investigate the characteristics of its literary style from the perspective of the science of expression. This research, first with the library method, then extraction, classification and statistical analysis of the arrays (simile, metaphor, allusion and irony) and finally by using the comparative method to frequency measurement of the structural methods of these arrays, has achieved their stylistic characteristics in this work. The impressive use of irony, many simile additions, the simile structure of the type of descriptive composition, sensory to sensory and intellectual to sensory similes, simple metaphors that are close to the mind, mechanistic metaphors of the type of descriptive composition, and the abundance allowed for detail and local interest are important literary features. This work is from the perspective of the science of expression. The findings showed that Bital Ajam is not just a purely fictional work in simple language, but the abundant use of literary arrays, especially, the high frequency of irony, simile, metaphor, and metaphor arrays, has turned it into a valuable literary work, and the main part is prose.

Keywords: Bital Ajam, Sanskrit Fiction Texts, Literary Style, Science of expression.

^۱Ph.D. Candidate, Department of Persian Language and Literature, Aliabad Katoul Branch. Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran. Aroghayyeh@yahoo.com

^۲Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Aliabad Katoul Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran. (Corresponding Author) Ma.mahdavi@yahoo.com

^۳Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Aliabad Katoul Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran. Mahdian.masood@gmail.com

References

A. Books

- ۱- Bahar, M. T. (۲۰۰۷). Stylistics or the history of the development of Persian prose. Tehran: Amir Kabir.
- ۲- Ghasemi, H. (۲۰۱۴). Descriptive Catalogue of Persian Translations of Indian Works. New Delhi: National Mission for Manuscripts.
- ۳- Homaei, J. (۱۹۹۹). Rhetorical Techniques and Literary Industries. Tehran: Homa.
- ۴- Kishan, M. M., & Kishan, B. (No Date). Bital Ajam. Calcutta: Mohammadi Printing House, [manuscript] written in ۱۲۵۶-۱۲۴۵ AH. Date of writing: ۱۲۴۷ AH.
- ۵- Shamisa, S. (۲۰۰۴). Expression and Meanings. Tehran: Ferdows.
- ۶- Shamisa, S. (۱۹۹۹). Prose stylistics. Tehran: Mitra.
- ۷- Selajgeh, P. (۱۹۹۹). An introduction to the aesthetics of Meanings and expression poetry. Tehran: Chekad.
- ۸- Vela, M. A. K. (۱۹۶۵). Classical Urdu literature Bital Pechisi. introduction and revision by Gohar Noshahi. Lahore: Urdu Literary Development Majlis.

B. Articles

- ۱- Alavi, R. (۲۰۲۰). National and Religious Teachings in Sa'eb Tabrizi's Realm of Imagination. Jostarnameh Journal of comparative Literature Studies, ۴(۱۳), ۱۶-۳۴.
- ۲- Rezazadeh, N., Mohammadzadeh, M., & Sadeghinejad, R. (۲۰۱۹). Social customs and traditions in Iranian branch of Safavid era poetry. Jostarnameh Journal of comparative Literature Studies, ۳(۷), ۱۴-۲۴.

بررسی ویژگی‌های سبک ادبی کتاب بیتال عجم از منظر علم بیان

رقیه عجمی^۱، ملیحه مهدوی^۲، مسعود مهدیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۵

صص (۱-۳۸)

چکیده

نسخه‌های خطی آثار ارزشمندی هستند که به لحاظ تاریخی، هویتی، مذهبی و فرهنگی تبیین‌گر بخش مهمی از حیات یک کشور هستند. یکی از نسخه‌های خطی مهم و تاریخی، کتاب بیتال عجم است که از متون داستانی هند باستان به‌شمار می‌رود که در قرن ۱۳ هجری، به وسیله مهراجا مدهو کیشان و برادرش ایندرا کیشان بهادر، در هند به فارسی ترجمه شده است. هدف این پژوهش، بررسی ویژگی‌های سبک ادبی آن، از منظر علم بیان است. این پژوهش، ابتدا با شیوه کتابخانه‌ای، سپس استخراج، طبقه‌بندی و بررسی آماری آرایه‌های (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) و در نهایت با استفاده از روش تطبیقی به بسامدسنجی شیوه‌های ساختاری این آرایه‌ها، به ویژگی‌های سبکی آن‌ها در این اثر دست یافته است. کاربرد چشمگیر کنایه، اضافه‌های تشبیهی فراوان، ساختار تشبیه از نوع ترکیب وصفی، تشبیهات حسی به حسی و عقلی به حسی، استعاره‌های ساده و نزدیک به ذهن، استعاره‌های مکنیه از نوع ترکیب وصفی و فراوانی مجاز به علاقه جزئیه و محلیه از شاخصه‌های مهم ادبی این اثر از منظر علم بیان هستند. یافته‌های مقاله نشان داد بیتال عجم، صرفاً یک اثر داستانی محض به زبان ساده نیست، بلکه به‌کارگیری فراوان آرایه‌های ادبی، به‌ویژه، بسامد بالای آرایه‌های کنایه، تشبیه، استعاره و مجاز، آن را به یک اثر ادبی ارزشمند تبدیل نموده و نثر بخش عمده آن را در شمار نثر فنی قرار داده است.

واژه‌های کلیدی: بیتال عجم، متون داستانی سنسکریت، سبک ادبی، علم بیان.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران. Aroghayeh@yahoo.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران.

نویسنده مسئول) Ma.mahdavi@yahoo.com

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران. Mahdian.masood@gmail.com

۱- مقدمه

نسخه‌های خطی آثار ارزشمندی هستند که به لحاظ تاریخی، هویتی، مذهبی و فرهنگی تبیین‌گر بخش مهمی از حیات یک کشور هستند. کشور ایران از دیرباز به سبب برخورداری از علم و ادبیات قدرتمند، همواره مورد تحسین جوامع دیگر بوده است به نحوی که شهرت و آوازه بسیاری از آثار علمی و ادبی زبان فارسی به دیگر ممالک همچون: هند، چین، مصر و یونان نیز رسیده و شاهان آن دیار نیز به این آثار علاقه فراوانی نشان می‌دادند. بنابراین، در ادبیات ایران، آثار و شاهکارهای بزرگ ادبی، ریشه در دایره زیستی، تاریخی، فرهنگی و مذهبی این کشور داشته‌اند (علوی، ۱۳۹۹: ۱۸).

بیتال عجم، ترجمه فارسی بیتال پچسی سنسکریت^۱ است که به وسیله مهاراجا مدهوکیشان به فارسی ترجمه شده است اما این ترجمه، به دلیل مرگ نابهنگام او به وسیله برادر کوچکترش ایندرا کیشان بهادر ادامه یافته است. ایندرا کیشان به دلیل مهارت در زبان فارسی یک مقدمه و سه داستان دیگر نیز به آن افزوده و سرانجام آن را در سال (۱۲۵۶ ه. ق) به پایان رسانده است (Ghasemi, ۲۰۱۴: ۳۴) و با توجه به آنچه در قطعه تاریخ خود کتاب (صص ۳۳۸-۳۳۹) آمده، در دارالاماره کلکته در سال ۱۲۴۷ بنگله به اهتمام و تصحیح قاضی شیخ ظفرحسین انور پوری، در مطبع محمدی به طبع رسیده است.

اگرچه بیتال عجم، در هند، در سال (۱۲۵۶ ه. ق / ۱۲۱۸ ه. ش / ۱۸۴۰م)، هم‌زمان با عصر قاجار کتابت شده اما بسیاری از ویژگی‌های سبکی آن، میراث نویسندگی دوره صفوی است نه دوره قاجار که روح آن، ساده‌نویسی بوده است (شمیسا، ۱۳۷۷: ۲۴۲). در عصر تیموری، نثر عمومی در ایران و هندوستان، نثر ساده و روان بود اما در همان حال، نثر فنی نیز، فراموش نشده و درباریان و اهل فضل، برای نشان دادن معلومات خود، از ظفرنامه و وصاف تقلید کرده‌اند. این شیوه فنی نویسی، در آخر عهد صفویه، در ایران و هند رواج یافت (رضازاده و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۵). چیزی که در نثر فنی عهد صفویه، شباهت بسیار به نثر قدیم دارد یکی سجع است و دیگری تکلفات شاعرانه و کثرت تملق و تعارف و تکرار مدح و آفرین و اعاده جمله‌های مکرر. این حالت نثر، هم در ایران بود و هم در هندوستان. جز این که در هندوستان، فضلا و علمای هندی، در اظهار فضیلت، زیادتر از نویسندگان ایرانی می‌کوشیدند

(بهار، ۱۳۳۶: ۲۵۸-۲۵۹) در این میان، بیتال عجم نیز، به عنوان یکی از ترجمه‌های فارسی آثار داستانی سنسکریت که تحت تأثیر فنون و دانش ادبی فارسی ماقبل قرن سیزدهم، به وسیله دو مهاراجه هندی، ترجمه شده، خالی از این ویژگی‌های سبکی نیست به خصوص که مترجم دوم، ایندرا کیشان، به زبان فارسی مسلط بوده است.

۱-۱- بیان مسئله

به طور کلی، سه نوع نثر (ساده، موزون و فنی) در این اثر، قابل مشاهده است: ۱- هنگامی که نویسنده، از آغاز حکایت‌ها، که همراه با اغراق در توصیف شخصیت‌ها، مدح‌ها و القاب‌پردازی‌هاست دورتر و به روایت داستان‌ها نزدیک‌تر می‌گردد، نثر کتاب ساده می‌شود. ۲- کاربرد سجع‌های متوالی در پایان جمله‌های کوتاه، قرینه‌سازی‌های مکرر در میان پاره‌های کلام و کاربرد وجه‌های وصفی مسجع در پایان جمله‌های طولانی، سبب شده نثر در آغاز حکایت‌ها، موزون و آهنگین گردد. ۳- به‌کارگیری اشعار و ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و عبارت‌های عربی، آرایه‌های فراوان نظیر: تنسیق‌الصفات، تتابع‌اضافات، جناس، تلمیح، کنایه، تشبیه، استعاره و مجاز، بخش غالب اثر را از دیدگاه سبک‌شناسی، در زمره نثر فنی قرار داده است که پژوهش حاضر، قصد دارد به بررسی چهار آرایه اخیر که نقش مهمی در ادبیت اثر دارند بپردازد و به مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی و ساختاری آن‌ها دست یابد. لذا مسئله اصلی در این پژوهش، در وهله نخست بررسی این موضوع است که بسامد هریک از آرایه‌های ادبی علم بیان در بیتال عجم، تا چه اندازه است؟ و در مرحله دوم، بررسی این موضوع که دو مترجم، برای خلق این آرایه‌ها، از کدام شکل و ساختار بهره برده‌اند؟ و در نهایت، این تعداد بسامد و به‌کارگیری این شیوه‌ها و ساختارها، منجر به کدام ویژگی‌های سبکی شده است؟

۱-۲- ضرورت پژوهش

آشنایی با ترجمه‌های فارسی آثار سنسکریت، نقش مهمی در شناخت ادبیات فارسی هند دارد. در این میان، بیتال عجم نیز یکی از ترجمه‌های فارسی مجموعه داستانی بیتال بچیسی

سنسکریت است که دارای ۲۵ حکایت و در برگیرنده فرهنگ و آداب و رسوم و افسانه‌های بسیار کهن هند باستان است اما تاکنون به فارسی زبانان معرفی نشده و نسخه آن مورد تصحیح و بازنویسی قرار نگرفته است. از این رو، نگارندگان این مقاله قصد دارند به معرفی، بازنویسی و بررسی ویژگی‌های سبکی این ترجمه گمنام فارسی بپردازند و در پژوهش حاضر، نثر آن را به‌عنوان نماینده ترجمه‌های فارسی آثار داستانی سنسکریت، که در قرن سیزدهم هجری، به‌وسیله دو مهاراجه هندی ترجمه شده و دارای زبان ادبی و تصویری زیبا است، از دیدگاه سبک‌شناسی ادبی (علم بیان) مورد بررسی قرار دهد و میزان شناخت این مترجمان را از قلمرو زیبایی‌های ادبی فارسی تبیین نماید.

۳-۱- روش تحقیق

پژوهش حاضر، ابتدا با شیوه کتابخانه‌ای به مطالعه نظری و سپس براساس سبک‌شناسی شمیسا به استخراج، طبقه‌بندی و بررسی آماری آرایه‌های علم بیان (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) پرداخته و در نهایت با استفاده از روش تطبیقی به بسامدسنجی شیوه‌های ساختاری این آرایه‌ها و مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی آن‌ها پرداخته است.

۴-۱- پیشینه تحقیق

این پژوهش جدیدترین و به‌نوعی تنهاترین پژوهش صورت گرفته با محوریت بررسی تطبیقی ویژگی‌های سبک ادبی کتاب بیتال عجم از منظر علم بیان است و تاکنون هیچ پژوهش مستقلی اعم از: مقاله، کتاب، رساله و ... در این رابطه صورت نگرفته است.

۲- بحث

۲-۱- ویژگی‌های ظاهری نسخه بیتال عجم

این نسخه خطی، دارای ۳۴۴ صفحه و به خط نستعلیق است که به دلیل فاصله‌گذاری زیاد میان حروف و مخدوش شدن بعضی واژه‌ها و سطور، تاحدی ناخوانا است. صفحه‌ها، به جز چند مورد، دارای شماره هستند و شش صفحه از بخش مقدمه (صفحه‌های ۸-۳) که

اتفاقاً بخش معرفی پدیدآورنده اثر بوده، به اضافه چهار صفحه از حکایت بیست و پنجم، (صفحه‌های ۳۲۳-۳۲۶) ساقط است. هر صفحه، ۱۶ سطر دارد اما در بسیاری از صفحه‌ها، سطرهای پایانی و بعضی از واژه‌ها ساقط هستند. این کتاب مملو از افسانه‌های شاهان و زنان، ۲۵ حکایت دارد که زنجیروار مثل یک رمان، یک موضوع اصلی را دنبال می‌کنند. حکایت اول، حکم مقدمه کتاب را دارد و در پایان نیز یک قطعه تاریخ و یک غلطنامه ضمیمه شده است که خود غلطنامه خالی از اشتباه نیست.

۲-۲-۲ سبک ادبی بیتال عجم از دیدگاه علم بیان

علم بیان راه ورود به دنیای ادبیات است و موضوع آن، بررسی «ادای معنای واحد، به‌شیوه‌های مختلف است، مشروط بر آنکه مبتنی بر تخییل باشند». از این رو، دقت در نحوه اداهای مختلف معنی واحد، مبین اختلاف در نگرش‌های هنرمندان است و نهایتاً اختلاف سبک دوره‌های مختلف ادبی یا سبک خاص شاعران و نویسندگان را نشان می‌دهد. در کتاب‌های سنتی، این علم، به چهار مقوله زیباشناسی مجاز، تشبیه، استعاره و کنایه محدود شده است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۲-۱۵). این کتاب نیز، مملو از تصویرهای شاعرانه (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) است که به اثر غنا بخشیده‌اند. در ادامه به بررسی این آرایه‌ها پرداخته می‌شود:

۲-۲-۲-۱ بررسی انواع تشبیه به لحاظ شکل

۲-۲-۱-۱-۱ تشبیه ملفوف: تشبیهی است که در آن، چند مشبه (حداقل دو مورد) جداگانه ذکر می‌شود و سپس مشبه به‌های هر کدام گفته می‌شود. این نوع تشبیه، مبتنی بر صنعت لف و نشر است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۷).

آمار و ویژگی سبکی: در این متن، فقط ۳ مورد تشبیه، به‌کار رفته است که در آن‌ها مطابق با ساختار تشبیه ملفوف، مشبه‌ها جدا و مشبه‌به‌ها جداگانه قرار گرفته‌اند اما برخلاف ساختار تشبیه ملفوف، برقراری رابطه لف و نشر میان پایه‌های تشبیه، آشکار نیست. از طرفی دیگر، در همه این مثال‌ها، هم مشبه‌ها با یکدیگر مترادف و تقریباً هم معنا هستند و هم مشبه‌به‌ها نیز همین گونه‌اند:

«دندان طمع بر حلیه اش تیز کردن و دست بر اندام ناپاکش دادن، گویا در دریای معصیت غوطه خوردن و بر جاده عصیان قدم نهادن است» ۹-۶ / ۱۰۸.

«بخانه چون تو بی رحمی، دست به تناول دراز کردن و شکم ناشکیب را آسوده ساختن، گویا زهر خوردن و سم در کام نهادن است» ۸-۶ / ۵۸.

۲-۲-۱-۲- تشبیه مفروق: در این گونه تشبیه، چند مشبه و مشبه به وجود دارد، اما هر مشبه با مشبه به خود همراه است. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۸).

آمار و ویژگی سبکی: تشبیه مفروق، در این اثر، با (۲۲۵) شاهد مثال، بیشترین کاربرد را از نظر شکل دارا است یعنی، تشبیهی که در آن هر مشبه با مشبه به خود، جداگانه ذکر می گردد که این امر، بیانگر سادگی تخیل نویسنده است و مانع پیچیدگی و کنکاش زیاد ذهنی خواننده می گردد:

«درین آبگیر، دختری چون ماه چهارده با چندی از پرستاران عشوه ساز و طناز، بسان حوران خلد، دل نواز، باغتسال درآمد.» ۶-۵ / ۲۱.

۲-۲-۱-۳- تشبیه تسویه: چند مشبه + یک مشبه به در این گونه تشبیه، برای چند مشبه، یک مشبه به می آورند. یعنی چند مشبه را از نظر وجه شبه، یکسان و مساوی در نظر می گیرند (شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۸).

آمار و ویژگی سبکی: تشبیه تسویه، با (۱۰۲) مورد شاهد مثال، بعد از تشبیه مفروق، رتبه دوم را داراست که از این مجموعه، فقط ۸ مورد غیر بلیغ هستند و ۹۴ مورد آن ها تشبیه بلیغ اضافی هستند که در تمام این ۹۴ شاهد مثال، مشبه ها مترادف هستند. شواهد مثال تشبیه های بلیغ اضافی و تسویه:

«بازار الفت و موانست» ۱۶/۴۱ - تشبیه بلیغ اضافی و تسویه (الفت و موانست: مشبه های مترادف / بازار: مشبه به)

«آتش غموم و هموم» ۸/۱۴۰ - تشبیه بلیغ اضافی و تسویه (غموم و هموم: مشبه های مترادف / آتش: مشبه به)

«مرغزار حسن و جمال» ۷-۶ / ۳۸.

شواهد مثال تشبیه های غیربلیغ و تسویه:

«یار شفیق و همدم رفیق، مثل اکثر اعظم است» (۲/۴۱)

«جان و دل را چون موم گذاختن.» ۹-۸ / ۱۴۰

۲-۲-۱-۴-تشیبه جمع: یک مشبهه + چند مشبهه

عکس تشبیه تسویه است، یعنی برای یک مشبهه، چند مشبهه می‌آورند (شمیسا، ۱۳۸۳:

۴۸).

آمار و ویژگی سبکی: تشبیه جمع، بعد از تشبیه تسویه، با (۵۶) مورد، مقام سوم را دارا است که بیشتر آن‌ها در توصیف و مدح شخصیت‌هاست و در آغاز حکایت‌ها به کار گرفته شده است. در واقع، نویسنده در آغاز هر حکایت، سعی نموده شخصیت آن داستان را به کمک «مشبهه»‌های پی‌درپی توصیف نماید که این امر، در تمام حکایات‌ها علاوه بر تشبیه جمع، سبب خلق اغراق و تنسیق‌الصفات یا تابع اضافات نیز شده است. اغلب مشبهه‌ها در این نوع تشبیه، از یک شبکه معنایی انتخاب و با مراعات نظیر همراه شده‌اند:

- مشبهه‌ها از شخصیت‌های تلمیحی: فرهاد، مجنون، لیلی، خسرو، سلیمان، داوود

- فرشته‌ها: هاروت، ماروت، نکیر، منکر، حوری، فرشته، پری

- ستاره‌ها و سیاره‌ها: خورشید، ماه، بدر، نیر، زهره، ناهید، عطارد، مشتری

- پرنده‌ها: طاووس، بلبل، کوکو، طوطی، تذرو

- حیوانات: شیر، پیل، شب‌دیز، مرغ، رخس، آهو

- گل‌ها و درخت‌ها: لاله، ارغوان، سرو، سوسن، سنبل، شمشاد، صنوبر، انار، سمن،

نرگس، نی، غنچه

- دختری داشت ماه لقا، خورشید سیما (۲۶۱ / ۷-۸). (دختر: مشبهه / ماه و خورشید:

مشبهه‌هایی از یک شبکه معنایی، همراه مراعات نظیر و اغراق و تنسیق‌الصفات)

- او را دختری بود ماه پاره، خورشید سیما، زهره جبین، مشتری صورت، عطارد سریرت،

باسم مندابتی موسوم ۵۲ / ۱-۳.

(دختر: مشبهه / ماه، خورشید، زهره، مشتری و عطارد: مشبهه‌هایی از یک شبکه معنایی /

اغراق و مراعات نظیر و تنسیق‌الصفات)

۲-۲-۱-۵- تشبیه مضمّر: در تشبیه مضمّر یا پنهان، ظاهراً با ساختار تشبیهی مواجه نیستیم ولی مقصود گوینده تشبیه است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۹).

آمار و ویژگی سبکی: در این متن، تشبیه مضمّر محض (بدون تشبیه تفضیلی) وجود ندارد، زیرا تمام ۲۵ مورد تشبیه مضمّر به همراه تشبیه تفضیلی به کار رفته‌اند که خود تشبیه مضمّر تفضیلی لحاظ می‌گردند. به همین دلیل، شواهد مثال آن در ذیل مبحث تشبیه مضمّر تفضیلی قید می‌گردد.

۲-۲-۱-۶- تشبیه مشروط: تشبیهی است که در آن، شباهت بین مشبه و مشبه‌به در گروه شرطی است. ادات شرط، «اگر» است (همان‌جا).

آمار و ویژگی سبکی: تشبیه مشروط، در این متن، ۵ مورد به کار رفته که در یک مورد، «و الا» برای شرطی کردن جمله به کار رفته است.

- به حکم «المال و البنون زینت الحیات الدنیا»، اگر یکی از این‌ها، دست رفته شود، حلاوت حیات، تلخ‌تر از حنظل، بلکه از سم افعی تیزتر خواهد بود. ۷۴/ ۹-۱۱. (شرط: اگر یکی از مال و بنون از دست رود/ حیات: مشبه/ حنظل و سم افعی: مشبه‌به / وجه‌شبهه: تلخ‌تر و تیزتر)

- اگر باین دلارام که آرام رام اوست، طرح خلوت و صحبت جلوت، اتّفاق نیفتد، زندگی مشابه طعام بی‌نمک خواهد بود. ۱۶۰/ ۸-۶. (شرط: اگر... اتّفاق نیفتد/ مشبه: زندگی / مشبه‌به: طعام بی‌نمک)

۲-۲-۱-۷- تشبیه تفضیل: معمولاً در تشبیه، مشبه‌به باید در وجه‌شبهه، از مشبه قوی‌تر باشد ولی گاهی، مشبه، به مشبه‌به تشبیه می‌شود و در یک ویژگی از آن هم قوی‌تر جلوه می‌کند؛ در این صورت تشبیه تفضیل است (سلاجقه، ۱۳۷۸: ۱۳۵). در این نوع تشبیه گاهی نیز، نخست مشبه را به چیزی تشبیه و سپس از گفته خود عدول می‌کنند و مشبه را بر مشبه‌به ترجیح می‌نهند (شمیسا، ۱۳۸۳: ۵۰).

آمار و ویژگی سبکی: در متن حاضر، ۱۲ مورد تشبیه تفضیلی، بدون همراهی تشبیه مضمّر به کار رفته است که شیوه ساخت همه یکسان است. وجه‌شبهه همه آن‌ها، به صورت صفت تفضیلی (تیزتر، نرم‌تر، بهتر، ناگوارتر، روشن‌تر، خوردتر، تلخ‌تر) ذکر گردیده و در

همه آن‌ها، ادات تشبیه حذف شده است به جز یک مورد که ادات تشبیه آن نیز عربی است و در دل جمله عربی آمده است (ذکر وجه شبه در این نوع تشبیه، از سطح تخیل و زیبایی آن‌ها کاسته است).

-در برج عصمت و شبستان عفت تو، ماهیست منورتر، کالبدر فی الدجی. ۸-۶ / ۸۷-
(مفهوم تشبیه تفضیلی: محبوب را زیباتر از ماه دانسته، درحالی که ماه در زیبایی، قوی تر است. / ماه: مشبه، استعاره از محبوب/ بدر: مشبه به / ک (ادات عربی: مانند): ادات تشبیه/ منورتر: وجه شبه)

-همانا، کلام شما در باب این بی تاب، از حنظل تلخ تر و مثابه زهرابه، محلل جان و جگر است. ۱۲-۱۱ / ۲۰۲-۱۱.

۲-۲-۱-۸- تشبیه مضمَر و تفضیلی: گاهی تشبیه مضمَر و تفضیل را با هم می آورند (شمیسا، ۱۳۸۳: ۵۰).

آمار و ویژگی سبکی: در متن حاضر، (۲۵) تشبیه مضمَر و تفضیلی با هم به کار رفته اند. در این تشبیه‌ها، با کاربرد فعل‌های کنایه‌ای که بار معنایی مثبت یا منفی دارند، وجه شبه در مشبه، قوی تر از مشبه‌به، قلمداد گردیده است.

به‌طورکلی، نویسنده برای ساخت این نوع تشبیه، از دو شیوه بهره گرفته است:

- مشبه+ فعل‌هایی با بار معنایی مثبت: دیگران را خوشه‌چین خرمن حسن خود انگاشتن - در زیبایی گرو از کسی بردن - کسی را از صفحه روزگار برچیدن.

«دختر از غایت نخوت و افتخار، ماه را خوشه‌چین خرمن حسن خود انگاشتی» (دختر زیباتر از ماه، قلمداد شده). ۹-۷ / ۱۹۸-۷.

«دست نوالش (دست بخشش او)، حاتم طائی از صفحه روزگار برچیده» ۱/۵۷. (او بخشنده‌تر از حاتم طائی قلمداد شده).

- مشبه‌به+ فعل‌ها با بار معنایی منفی: خود را محبوس کردن - خود را کاستن - خوشه‌چین خرمن حسن دیگری بودن - غلام وار فرمان بردن از دیگری - غلام وار کمر بستن - از رشک، خود را در چاه انداختن - جان به تنگ بودن - در برابر کسی خود را بی نور انگاشتن - در برابر زیبایی دیگران، خود را در حجاب مستور کردن - پیش روی کسی سجده گذاردن - بر جگر داغ

خوردن-کوکب وار، گرد کسی دور زدن- بر گرد کسی، پرگاروار سر زدن- از زیبایی کسی در حقد گرفتار بودن- از رشک، بیخود افتادن- در برابر کسی سرافکنده بودن و پا در زنجیر انداختن- در حسرت گذاختن.

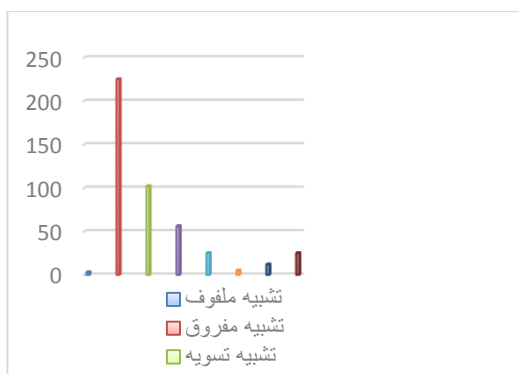
- خورشید درخشان از خوشه چینان خرمن حسن اوست. ۸/۸۷-۶-۸. (او: مشبه / خورشید: مشبه‌به / تشبیه مضموم و تفضیلی است زیرا «او» در «حسن و زیبایی» از «خورشید» هم برتر است.)

- شمس از غیرت آب و تاب قفص (طلایی) طوطی، خود را در قفص مغرب محبوس می‌کرد. ۸/۸۳-۷-۸.

(با توجه به مفهوم پنهان عبارت (خورشید با دیدن قفس طلایی طوطی، خود را پنهان نمود و غروب کرد.) قفس طوطی به خاطر رنگ زیبای طلایی به خورشید تشبیه شده و حتی بر خورشید هم برتری داده شده. / وجه شبه: داشتن آب و تاب و رنگ طلایی.)

- قمر شب افروز از رشک پنجره‌اش (پنجره قفص طوطی) خود را می‌کاست و زار و نزار می‌شد. ۸/۸۳-۹-۸ (پنجره قفص طوطی، در زیبایی و درخشانی به قمر تشبیه شده حتی بر آن برتری داده شده است.)

- شکر از شکرخنده‌اش به تنگ. ۱۳/۱۹ (شکر خنده محبوب را از شکر هم شیرین تر قلمداد نموده.)



نمودار ۱- بسامد سنجی انواع تشبیه از نظر شکل در کتاب بیتال عجم

۲-۲-۲- بررسی انواع تشبیه به لحاظ تعداد ارکان تشبیه: تشبیه گسترده - تشبیه فشرده

- تشبیهات ترکیب وصفی نوع اول و دوم

۲-۲-۲-۱- تشبیه گسترده: تشبیهی که چهار یا سه رکن از چهار رکن تشبیه در آن موجود باشد، تشبیه گسترده نام دارد.

آمار و ویژگی سبکی: در متن حاضر، ۴۳۷ مورد تشبیه گسترده به کار رفته است که از این مجموع، ۳۶۴ مورد تشبیه گسترده از نوع رایج هستند، یعنی دارای چهار یا سه رکن تشبیه هستند و به ندرت می‌توان مثالی یافت که سه رکنی باشد. + ۷۳ مورد تشبیه ترکیب وصفی نوع اول.

پراکندترین ادات تشبیه در تشبیهات گسترده این متن:

-از نوع حرف:

چون (۹۴بار)- بسان(۵۷ بار)- مانند (۴۰)- مثل (۲۵)- مثال (۹)- کردار و بکردار(۹)-
برنگ (۶)- گوئی و گویا (۵) بطور (۴)- بطرز (۳)- مشابه و بمشابه (۲)- بمثابه (۲)-
بصورت (۲)- بمنزل و بمنزله (۲)- «ک» ادات تشبیه عربی (۲)- بآئین (۱) همچون (۱)- بر
نهج (۱) - قسیمیکه (۱)

- از نوع پسوندهای شباهت: وار (۲۷)- فام(۴)- گون(۳)- وش (۲)

- از نوع فعلی: انگاشتن، دانستن، تصور نمودن، لاف و دعوی برابری زدن، پنداشتن.

- همای حواس به دریافت اصل حقیقتش شکسته باز و مانند کبوتر شهباز گرفته در کنج

تحسیر. ۱۴-۱۵/۱ (دارای چهار رکن تشبیه است: تشبیه گسترده)

- تن را بسان شمع در سوز و گداز انداخت. ۱۴/۸۴ (دارای چهار رکن تشبیه است:

تشبیه گسترده)

۲-۲-۲-۲- تشبیه فشرده: ۸۵۰ مورد تشبیه بلیغ اضافی + ۵ مورد تشبیه بلیغ اسنادی + ۴۰

مورد تشبیه ترکیب وصفی نوع دوم = ۸۹۵

تشبیه فشرده در این متن سه نوع است: تشبیه بلیغ اضافی - تشبیه بلیغ اسنادی -

تشبیه ترکیب وصفی نوع دوم

۲-۲-۲-۱- تشبیه بلیغ اضافی (یا اضافه تشبیهی): تشبیهی است که طرفین تشبیه به هم اضافه می گردند و ادات تشبیه و وجه شبه در آن، محذوف است. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۵).
آمار و ویژگی سبکی: در این متن، نویسنده به وفور از این نوع تشبیه برای زیبایی کلام خود بهره برده است. به گونه ای که کمتر پاراگرافی می توان یافت که این آرایه در آن به کار نرفته باشد. در مجموع ۸۵۰ مورد اضافه تشبیهی در این متن مورد استفاده قرار گرفته است که از ویژگی های سبکی زیر پیروی می کنند:

۱- فقط ۴ اضافه تشبیهی، مطابق فرمول (مشبه + نقش نمای اضافه + مشبه به) ساخته شده اند.

- لب لعل (۶/۸۹ - ۱۵/۹۰ - ۶/۸۹ - ۱۰۷/۱۰۷ - ۵/۶)

- آبگیر سلسبیل ۲۷۴

۲- به جز موارد فوق، در تمام اضافه های تشبیهی، مشبه به، در آغاز و سپس مشبه، قرار گرفته است.

مطابق فرمول: مشبه به + نقش نمای اضافه + مشبه

انوار دانش و پیرایه بینش (۲/۱) - عنقای خیال (۱۲/۱) - همای حواس (۱۳/۱) - ورطه استعجاب و گرداب استغراب (۳/۱۰) - شاه شب (۲/۱۴) - تختگاه فلک (۳/۱۴) بساط بسیط زمین (۹/۱۵) - هیون همت (۴/۱۶) - صفحه خاطر (۶/۱۷) - تیر اشتیاق (۱۵/۱۸) - چاه ظلمت (۸/۱۸) - باغ محبت و حدیقه الفت (۹-۱۰/۱۹) - نایره عشق (۵/۲۰) - تیر مژگان (۳/۲۰) - ناوک مژگان (۷/۲۱) - تیر نگاه (۷/۲۱)

۳- قبل از تعداد زیادی از اضافه های تشبیهی، استعاره مصرحه قرار گرفته است. (۴۶ مورد)

مطابق فرمول: آن / این / ای + استعاره مصرحه + اضافه تشبیهی

* آن گل گلدار دلبری و آن بلبل شاخسار محبوبی (۱۰-۸ / ۲۸۹) - آن آهوی مرتعه خوبی و خوبروئی (۳-۲ / ۲۷۵) - آن گوهر درج عفت و آن لولوی آبدار دریای آیالت (۲۴۴ / ۱۵-۱۴) - آن تذرو کوهسار دلبری (۳-۲ / ۲۲۷) - آن سرو رعنای دلربائی (۸/۳۲۹)

۴- قبل از تعدادی از اضافه های تشبیهی، کنایه قرار گرفته است. (۵۲ مورد)

مطابق دو فرمول:

- کنایه + اضافه تشبیهی

- ای / آن + کنایه + اضافه تشبیهی

* غریق بحر حیرت (۵/۱۵۲) - غریق لجه انشراح و ارتیاح (۸/۱۰۳) - سرگشته وادی

فنا (۶/۳۳۱) - زنگ زدای مرات بیدادی (۱۶/۶۳)

۵- غالب اضافه‌های تشبیهی، از نوع عقلی-حسی هستند. به عبارتی، از ۸۵۰ مورد اضافه

تشبیهی، ۵۸۰ مورد آن‌ها عقلی-حسی، ۲۶۷ مورد حسی-حسی و ۳ مورد عقلی - عقلی

به‌شمار می‌روند.

۶- به‌کارگیری آرایه‌های مراعات‌نظیر و لف و نشر مرتب، همراه چند اضافه تشبیهی در

عبارت‌ها در کنار یکدیگر، علاوه بر افزایش صورخیال، سبب برقراری یک ارتباط معنایی

میان واژه‌ها شده است، به‌گونه‌ای که همان واژه‌هایی که بار زیباشناسی و ادبی جمله‌ها را

به‌دوش می‌کشند، همان واژه‌ها نیز با ایجاز، بار معنایی جمله‌ها را بیشتر به نمایش می‌گذارند.

به بیانی ساده‌تر، در این روش نویسنده با استفاده از مراعات‌نظیر، بین چندین ترکیب اضافه

تشبیهی رابطه معنایی و نوعی لف و نشر مرتب برقرار نموده و سبب خلق ایماژ و تصویر

هنری گردیده است. در این نمونه‌ها (۲۲۵مورد)، شبه‌ها جداگانه، با یکدیگر شبکه معنایی

می‌سازند و شبه‌به‌ها نیز با یکدیگر. علاوه بر این، این نحوه کاربرد چند اضافه تشبیهی با

یکدیگر همراه لف و نشر مرتب، سبب خلق چند تشبیه مفروق (شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۸) نیز در

کنار هم می‌شود.

«زن گل فروش، شب‌دیز زبان را در میدان بیان، جولان داده.» (۱۶/۲۹)

(مراعات‌نظیر و لف و نشر مرتب: شب‌دیز و میدان/ زبان و بیان)

- «رحیق کامرانی در ساغر شادمانی تجرع نماید» ۱۰/۴۵-۱۱.

- «لالی آبدار و دُر شاهوار سخن، از عمان دل، غواصی نموده، بساحل بیان آورده.» ۴۹/

۱۱-۱۲.

۷- برقراری رابطه موسیقیایی میان چند اضافه تشبیهی، در بسیاری موارد، کلام را آهنگین

نموده است.

- «برشته محبت و رسن استوار الفت، گرفتار کرده.» ۸/۴۰

- «علايق در ورطه اضطرار و گرداب انتشار افکنده؟» ۹/۴۷

۲-۲-۲-۲-۲- تشبیه بلیغ اسنادی:

تشبیهی است که وجه شبه و ادات در آن حذف شده و طرفین تشبیه، به کمک یک فعل اسنادی به هم نسبت داده می شوند. این نوع تشبیه در این متن، بسیار محدود (۵ مورد) مورد استفاده قرار گرفته است.

- روی آن ناپاک بی باک خدا فراموش، دیدن؛ در کام نهنگ قدم نهادن و روبروی شیر ایستادن است. ۱۶/۳۹-۱/۴۰

- از خونش، معبد لاله زار شد. ۳/۱۳۹

۲-۲-۲-۲-۳- تشبیه ترکیب وصفی نوع دوم (۴۰ مورد)

از آنجایی که تشبیه از نوع ترکیب وصفی در این متن زیاد به کار رفته اما در دسته بندی های رایج تشبیه در کتاب ها به چشم نمی خورد، کاربرد انواع آن در این متن جداگانه بررسی می شود:

۲-۲-۳- ترکیب های وصفی تشبیهی: (موصوف + صفت مرکب تشبیهی): ۱۱۳ مورد

آمار و ویژگی سبکی: در این متن، نویسنده علاوه بر انواع رایج تشبیه (از نظر تعداد ارکان)، نوعی دیگر از تشبیه را به وفور (۱۱۳ مورد)، به کار برده است که نه از نوع اضافی است و نه از نوع اسنادی بلکه نوعی ترکیب وصفی هستند. این تشبیه ها در این متن، به دو شیوه ساخته شده اند:

الف: تشبیه ترکیب وصفی نوع اول: موصوف (مشبه) + نقش نمای اضافه/ ی + صفت

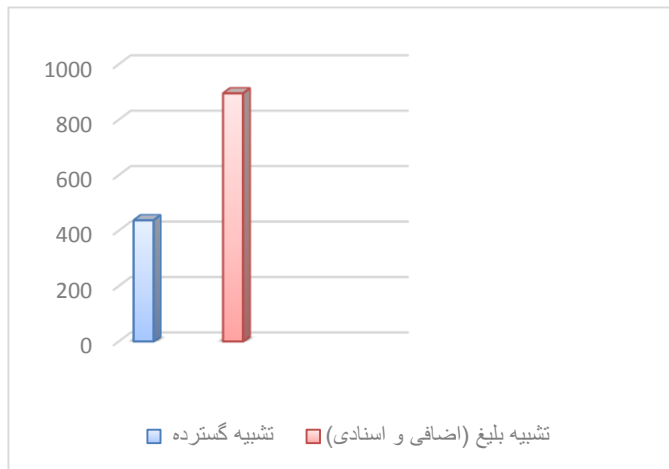
مرکب (مشبه به + یکی از اعضا و لوازم مشبه یا مشبه به یا هر دو): (۷۳ مورد)

این نوع تشبیهات، از نظر تعداد ارکان تشبیه، جزء تشبیهات گسترده به شمار می روند و همه آنها سه رکنی هستند زیرا در همه آنها، سه رکن مشبه، مشبه به و وجه شبه ذکر گردیده و ادات تشبیه حذف شده است. مثلاً « اسپ صبا رفتار»: اسپ از نظر رفتار به باد صبا مانند شده است.

اسپ صبا رفتار ۴/۱۸- پرستاران ناهید نوا ۶/۳۵- شوهر قزاق منش ۵/۹۷- تو نازنین گل اندام شمشاد قد ۸/۸۴- دختری زهره جبین، دختری داؤد نوا، دختری شمشاد قد، دختری مرجان رنگ، دختری غنچه دهان، دختری لیلی و شان، دختری نرگس نگاه ۱۱۸-۱۱۹- عورت فرشته منش

ب: تشبیه ترکیب وصفی نوع دوم: آن/ این + موصوف (مشبه) محذوف + صفت مرکب
 جانشین موصوف (مشبه به + یکی از اعضا و لوازم مشبه یا مشبه‌به یا هر دو) (۴۰ مورد)
 این نوع تشبیهات، از نظر تعداد ارکان تشبیه، جزء تشبیهات فشرده به شمار می‌روند اما از نظر ساختار با تشبیه فشرده اضافی تمایز دارند.

- آن مجنون سرشت ۱/۳۰- آن فرهاد منش ۷/۳۶- آن لقمان فطرت بوعلی سیرت ۲/۳۸-
 آن حور کردار ۱۳/۲۳- آن ارسطو منش ۱۳/۲۳- آن ماه‌لقا ۳/۲۴- آن حور لقا ماه جبین ۴/۳۲-
 آن رستم همت ۳/۶۶- این حور لقا ۱۱/۶۲- آن خورشید جبه بدر سیما ۱۴/۸۲- آن پری دیدار ۵/۱۲۶-
 آن فرشته طلعت ۱/۱۷۹- آن پری تمثال ۱۰/۲۰۸- آن یوسف جمال ۱۲/۲۲۹-
 این حور سرشت ۱/۲۱۷- آن پری تمثال ۱۵/۲۴۳- آن پری پیکر خورشید طلعت ۲۴۵.



نمودار ۲- بسامدسنجی انواع تشبیه از نظر تعداد ارکان در کتاب بیتال عجم

۲-۲-۴- انواع تشبیه به اعتبار حسی و عقلی بودن طرفین تشبیه:

تشبیه به اعتبار حسی و عقلی بودن مشبه و مشبه‌به، چهار حالت دارد. مراد از حسی، اموری است که با یکی از حواس پنجگانه ظاهری قابل درک باشد؛ یعنی، به‌طور کلی وجود مادی و خارجی داشته باشد. اما مراد از ذهنی یا عقلی، هر چیزی است که با یکی از حواس پنجگانه درک نشود و وجود آن ذهنی باشد (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۵). امور ذهنی یا غیرحسی، وجود خارجی ندارند بلکه آن چه محسوس است آثار خارجی آن‌ها است. (همایی، ۳۷۷: ۲۳۰)

۲-۲-۴-۱- هر دو طرف تشبیه، حسی باشد: این نوع تشبیه، در ادبیات کهن و مخصوصاً در سبک خراسانی رایج بود. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۶).

آمار: در این متن، تشبیه حسی به حسی، با ۶۷۰ مورد، بیشترین کاربرد را دارا است. خلوتگاه مغرب ۱۲/۱۳- تختگاه فلک ۳/۱۴- بساط زمین ۹/۱۵- ناوک مژگان ۷/۲۱- آشیانه دماغ ۱۴/۲۳

۲-۲-۴-۲- مشبه عقلی، مشبه‌به حسی باشد: تشبیه عقلی به حسی رایج‌ترین نوع تشبیه در متون است. غرض از این تشبیه، تقریر و توضیح حال مشبه در ذهن خواننده است و مشبه عقلی به کمک مشبه‌به حسی به خوبی در ذهن، مجسم و تبیین می‌شود (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۷).

آمار: در این متن، تشبیه عقلی به حسی، با ۶۱۰ مورد، بعد از تشبیه حسی به حسی، در رتبه دوم قرار دارد.

مرغ هوش ۱۳/۲۳- عساکر بی‌خودی ۱۴/۲۳- ساغر آرزو ۹/۲۶- خمخانه مراد ۹/۲۶- طوق عشق ۸/۲۷

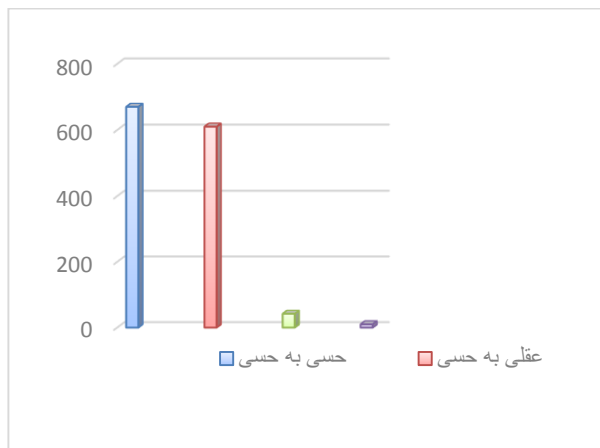
۲-۲-۴-۳- مشبه حسی و مشبه‌به عقلی باشد: به لحاظ تئوری این نوع تشبیه، نباید وجود داشته باشد، چون غرض از تشبیه این است که به کمک معلومی، وضع مجهولی را در ذهن روشن کنیم؛ یعنی به کمک مشبه‌به‌ای که در صفتی اعرف و اجلی و اقوی از مشبه است حال و وضع مشبه را توصیف کنیم و بدیهی است که عقلی همیشه نسبت به حسی اخفی

است. از این رو، در این گونه تشبیهات، نویسنده باید خود وجه شبهه را که در نظر دارد ذکر کند و بدین ترتیب این گونه تشبیه همواره مفصل است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۷).
 آمار: در این متن، تشبیه حسی به عقلی، با ۴۲ مورد رتبه سوم را دارا است.
 - «راجه آن کلام را برابر وحی پنداشت.» ۴۸ / ۳-۴.
 - «ظلمت از نور خورشید عدل و انصافش، کالعدم گردیده.» ۲۸۷ / ۱-۳.

۲-۲-۴- هر دو طرف تشبیه، عقلی باشد: این نوع تشبیه هم اساساً نباید وجود داشته باشد، زیرا از مشبه به عقلی، وجه شبه روشن و صریحی اخذ نمی‌شود تا حال مشبه را به کمک آن دریابیم. پس در این گونه تشبیه هم باید وجه شبه ذکر شود و اگر احیاناً وجه شبه را ذکر نکنند، مشبه به عقلی باید در صفتی بسیار معروف باشد. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۸)
 آمار: در این متن، تشبیه عقلی به عقلی، با ۱۰ مورد رتبه چهارم را دارا است.
 عنقای خیال ۱۲/۱ (خیال: مشبه عقلی / عنقا: مشبه عقلی)
 - «حیات مستعار، بمنزله مرگ است.» ۲۰۱ / ۶ (حیات: مشبه عقلی / مرگ: مشبه به عقلی)
 - «اگر تن برضا دهم، زندگانی بمنزل مرگ خواهد بود.» ۷۳ / ۷-۶. (زندگانی: مشبه عقلی / مرگ: مشبه به عقلی)

ویژگی‌های سبکی تشبیه‌ها، از نظر حسی و عقلی بودن مطابق آمار زیر:

- ۱- اغلب تشبیهات گسترده، از نوع حسی به حسی هستند. (۳۰۸ از ۳۶۴ مورد)
- ۲- اغلب تشبیهات فشرده از نوع عقلی به حسی هستند. (۵۸۰ مورد از ۸۵۰ مورد) و در مرحله بعد، (با ۲۶۷ از ۸۵۰ مورد) از نوع حسی به حسی.
- حسی به حسی: ۳۰۸ تشبیه گسترده + (۲۶۷ تشبیه بلیغ اضافی + ۴ بلیغ اسنادی) + ۹۱ تشبیه ترکیب وصفی = ۶۷۰
- عقلی به حسی: ۳۰ تشبیه گسترده + ۵۸۰ تشبیه بلیغ اضافی = ۶۱۰
- حسی به عقلی: ۲۰ تشبیه گسترده + ۲۲ تشبیه ترکیب وصفی = ۴۲
- عقلی به عقلی: ۶ تشبیه گسترده + (۳ تشبیه بلیغ اضافی + ۱ بلیغ اسنادی) = ۱۰



نمودار ۳- بسامد سنجی انواع تشبیه از نظر طرفین تشبیه در کتاب بیتال عجم

۲-۲-۵- بررسی انواع استعاره (استعاره مصرّحه - استعاره مکئنه) (در مجموع ۴۰۸ مورد)

۲-۲-۵-۱- استعاره مصرّحه (۱۸۱ مورد)

استعاره مصرّحه، به کار بردن واژه‌ای (مشبه به) به جای واژه دیگر (مشبه) به علاقه شباهت، (به شرط وجود قرینه) است. در حقیقت، استعاره مصرّحه، جانشینی مشبه‌به، به جای مشبه است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۵۹). در استعاره مصرّحه، چهار رکن تشبیه، فقط مشبه‌به وجود دارد و سه رکن دیگر حذف می‌گردد. به این نوع استعاره، استعاره تحقیقه، محقّقه، تصریحیه یا مصرّحه می‌گویند. (همایی، ۱۳۷۷: ۲۵۰؛ شمیسا، ۱۳۸۳: ۵۹)

استعاره مصرّحه خود بر سه قسم است:

- استعاره مصرّحه مجردّه: مشبه‌به + حداقل یکی از ملائمتات یا صفات مشبه

- استعاره مصرّحه مرشّحه: مشبه‌به + ملائمتات خود مشبه‌به

- استعاره مصرّحه مطلقه: مشبه‌به + ملائمتات مشبه‌به و مشبه (شمیسا، ۱۳۸۳: ۵۹-۶۲)

۲-۲-۵-۱-۱- استعاره مصرّحه مجردّه: مشبه‌به + حداقل یکی از ملائمتات یا صفات

مشبه (۷۸ مورد)

در این نوع استعاره، ملائم (امور مربوط به) مشبه، همان قرینه صارفه است و از آنجایی که در این گونه استعاره، فوراً متوجه مشبه محذوف می‌شویم، آن را مجردّه خوانده‌اند، یعنی

مجرد و خالی از اغراق، زیرا در یکسان پنداشتن مشبه و مشبه‌به چندان اغراق نمی‌شود (شمیسا، ۱۳۸۳: ۶۰-۵۹).

آمار و ویژگی سبکی: در این متن، استعاره مصرحه مجرد با ۷۸ شاهد مثال، رتبه دوم را داراست. که این امر نشان دهنده سادگی خیال نویسنده و وضوح استعاره‌ها است.

- «لولوی تر از مژگان، به‌طور ژاله بر زمین می‌ریخت» (استعاره از اشک) ۸۵ / ۲-۳.

- «آسمان هزاران چشم در پرده نیلگون خود دارد» (ستاره‌ها / آسمان) ۸۸.

۲-۲-۵-۱-۲- استعاره مصرحه مرشحه: مشبه‌به + ملائمت خود مشبه‌به. (۲۰ مورد)

در این نوع استعاره، ادعای یکسانی مشبه‌به با مشبه‌محذوف، به اوج خود می‌رسد و به‌همین سبب به آن مرشحه، یعنی تقویت شده و قوی می‌گویند. در استعاره مصرحه مرشحه، برخلاف استعاره مصرحه مجرد، قرینه صارفه و ملائم، یکسان نیستند و قرائن صارفه بسیار ضعیف یا ظریف و به هر حال غیر آشکار هستند. از این رو، فهم استعاره مصرحه مرشحه دشوار است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۶۰).

آمار و ویژگی سبکی: استعاره مصرحه مرشحه، در این متن با ۲۰ شاهد مثال، کمترین کاربرد و مقام سوم را دارا است که دلیلی بر سادگی متن و عدم پیچیدگی ذهنی نویسنده است. البته باید به این نکته توجه نمود که نباید انتظار داشت سطح دشواری یا سادگی نوع استعاره‌ها، در دوره‌های متفاوت، یکسان باشد. زیرا ممکن است استعاره مرشحه یک دوره، در دوره دیگر، بسیار ساده و آسان به نظر بیاید و اصلاً مرشحه و غیرآشکار قلمداد نگردد. از این رو، منطقی است که سطح وضوح و دشواری نوع استعاره‌های مصرحه، در خود متن و در مقایسه با یکدیگر سنجیده شود.

- «برهمن، این سه کس را، مشتری یک دُر و خواهان یک گوهر دید. (استعاره مرشحه

از دختر، زیرا قرینه صارفه آشکار نیست) ۵۳ / ۱۲-۱۳.

- «هر سه زنبور، بطمع انگبین یک‌جا جمع گشتند. برهمن چون غوغای زنبور دید، شاهد

را از دست برد زنبوران محفوظ کرد؛ یعنی، دختر را بخانه آورد و این سه جوان با هم

بجنگ و جدل در پیوستند» (زنبوران: خواستگاران/ انگبین و شاهد: دختر) ۶۲ / ۸

«اگر تو تاب تحمّل این احوال بخود دریایی، باری بیا و ملاح سفینه اش شو» (ملاح: همسر و شریک زندگی / سفینه: وجود) ۱/۱۰۲.

۲-۲-۵-۱-۳- استعاره مصرحه مطلقه: مشبه به + ملائمت مشبه به و مشبه. (۸۳ مورد)
در این نوع استعاره مصرحه، از آنجایی که هم از ملائمت مشبه به و هم از ملائمت مشبه، چیزی آورده می شود، کلام هم ترشیح است و هم تجرید و این دو یکدیگر را خنثی و استعاره در حالت تعادل قرار می گیرد. به همین جهت آن را استعاره مصرحه مطلقه نامیده اند، یعنی آزاد و رها (شمیسا، ۱۳۸۳: ۶۱).

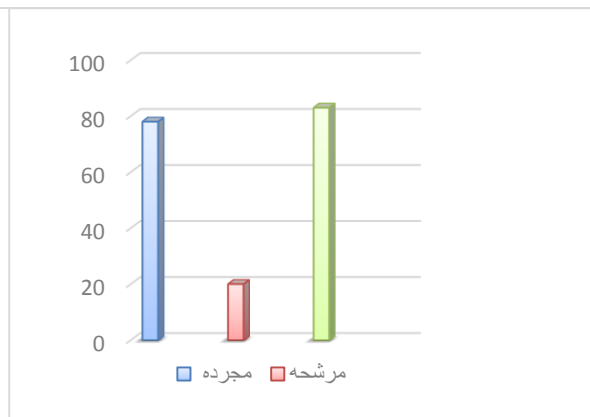
آمار و ویژگی سبکی: استعاره مصرحه مطلقه، با ۸۳ شاهد مثال، بالاترین بسامد را در میان انواع استعاره های مصرحه داراست. این آمار نشان می دهد که متن، از نظر دشواری یا وضوح نوع استعاره های مصرحه، بیشتر در حد تعادل قرار دارد تا در سادگی محض. (زیرا همان طور که گفته شد، استعاره مجرده نیز مقام دوم را داراست.)

- «شاه شب با عساکر خود به تختگاه فلک سبزم، جلوس فرمود» (استعاره از ستاره ها / ملازمات ستاره ها: شب، فلک / ملازمات عساکر: شاه، تختگاه، جلوس) ۱۴ / ۲-۳.

- «شاه چین، رو به بارگاه مغرب نهاد و سلطان ماه، با عساکر کواکب، بسیر مرغزار فلک اخضر بیرون شتافت.» (استعاره از خورشید / ملازمات خورشید: مغرب، ماه، کواکب، فلک اخضر / ملازمات شاه چین: بارگاه، سلطان، عساکر، سیر مرغزار) ۴۱ / ۱۳-۱۵.

بسامد انواع استعاره مصرحه در این متن و ویژگی سبکی:

از مجموع (۱۸۱ مورد) استعاره مصرحه ای که در این متن به کار رفته، استعاره مجرده: ۷۸، استعاره مطلقه: ۸۳ مورد و استعاره مرشحه: ۲۰ مورد است که این آمار نشان می دهد اغلب استعاره های مجرده در این متن، در حالت تعادل قرار دارند و بسیاری نیز ساده و نزدیک به ذهن هستند.



نمودار ۴- بسامد سنجی انواع استعاره مصرّحه در کتاب بیتال عجم

۲-۲-۵-۲- انواع استعارهٔ مکنیه (اضافهٔ استعاری- ترکیب وصفی- از نوع جمله- تشخیص) در مجموع ۲۲۷ مورد

۲-۲-۵-۱- استعارهٔ مکنیه به صورت اضافهٔ استعاری: یکی از لوازم مشابه به + مشبه در اضافهٔ استعاری، وجود مضاف در مضاف الیه غیر واقعی است. به طور مثال در ترکیب اضافی «گردن جان»، می توان گفت که جان گردن ندارد. پس این ترکیب، یک اضافهٔ استعاری است.

آمار و ویژگی سبکی: در این متن، ۱۲۸ مورد اضافهٔ استعاری (مضاف + مضاف الیه) به کار رفته است که ۷۲ مورد آن‌ها، تشخیص هستند. یعنی نویسنده تلاش نموده، ویژگی‌های انسانی مثل اعضای بدن (دست، زبان، دهان، گوش، دوش، گردن، کام، رگ، انامل، رو، صورت، کف، دماغ، بینی، فرق، سر و...) را به غیر انسان نسبت بدهد و به تخیل و ادبیت اثر بیفزاید. که در این امر، توانسته است موفق عمل نماید. ترکیب‌های «گردن جان» ۶ بار، «میان جان» ۳ بار، «ابنای روزگار» ۳ بار و «دامان حال» ۳ بار، از پرتکرارترین اضافه‌های استعاری هستند.

گوش هوش^۲ ۵/۲۰۲- میان جان ۳/۱۷۴- کمر جان ۱۰/۱۶- زاویه حیرت ۱۴/۱- کنج تحسر ۱۵/۱- رشک خورشید ۱۰/۲- سینهٔ سنگ ۲/۱۰- بنیان ظلم و اعتساف ۷/۱۲- بام سپهر ۷/۱۶- عنان عزیمت ۵/۱۸- لجام صبر و عنان شکیبائی ۱۳/۲۰- دست فهم ۷/۲۲- گردن جان ۴/۲۷- همدست ملال و همدوش کلال ۸/۲۸- زبان خامه و خامه زبان ۱۱/۲۹-

گوش جان ۱۵/۳۰ - دوش دل ۱۶/۳۰ - کام دل ۱۵/۳۱ - زبان کلک ۳/۳۵ - دست فکر ۸/۳۶ -
رایحه وفا - مشام توقع ۱۲/۳۹ - فرق فرقدان ۷/۵۱ - دهان تردد ۱۵/۶۲ - دامن همت
۱۵/۶۷ - هجوم غموم ۱۵/۷۶

۲-۲-۵-۲-۲- استعاره مکنیه به صورت ترکیب وصفی: استعاره مکنیه، گاهی به صورت
موصوف و صفت است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۶۳). تفاوت استعاره مکنیه از نوع اضافه استعاری
با استعاره مکنیه از نوع ترکیب وصفی، از نظر دستوری کاملا واضح و مشخص است. اولی
یک ترکیب اضافی (مضاف + مضاف الیه) است در حالی که نوع دوم، یک ترکیب وصفی،
شامل (موصوف + صفت) است.

*همچنین از نظر ساختاری، فرمول اضافه استعاری (ترکیب اضافی) برابر است با: ویژگی
یا یکی از لوازم مشبه به محذوف + مشبه به محذوف + ذکر مشبه: مثل چشم وهم (چشم:
ویژگی مشبه به محذوف + انسان: مشبه به محذوف + وهم: مشبه)

*فرمول ساختاری استعاره مکنیه به صورت ترکیب وصفی برابر است با: ذکر مشبه +
مشبه به محذوف + ویژگی یا یکی از لوازم مشبه به محذوف: مثل شکم ناشکیب (شکم:
مشبه + انسان: مشبه به محذوف + ناشکیب: ویژگی انسان)

آمار و ویژگی سبکی: در این متن، ۳۴ مورد استعاره مکنیه، از نوع ترکیب وصفی به کار
رفته است که ۳۰ مورد آن‌ها تشخیص هستند. بنابراین، سطح خیال پردازی و قدرت جان-
بخشی نویسنده در این نوع نیز، بالاست. مثال‌ها:

شکم ناشکیب ۷/۵۸ - عقل دانش آموز و خرد جهان افروز ۲/۱۱ - چشم فتان ۳/۲۰ -
خرد رهنمای و عقل هدایت فرما ۸/۲۳ - عقل مصلحت آموز ۱۱/۳۳ - فکر دقیق
شناس ۱۰/۳۹ - خیال فاسد ۱۶/۹ - گل خندان ۳/۶۲ - ناصیه شگفته ۱۲/۶۴ - فلک کج رفتار
۱۲/۱۰۰ - چرخ ستم پیشه ۱۴/۱۰۰ - عقل رهنما ۱۶/۱۲۷

۲-۲-۵-۳- استعاره مکنیه به صورت غیراضافی (جمله):

در این نوع استعاره، مشبه ذکر می‌شود، مشبه به حذف می‌شود اما یکی از لوازم مشبه به،
به صورت فعل یا جمله می‌آید. استعاره مکنیه غیراضافی، همان استعاره تبعیه (استعاره در
فعل) است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۶۴-۶۳).

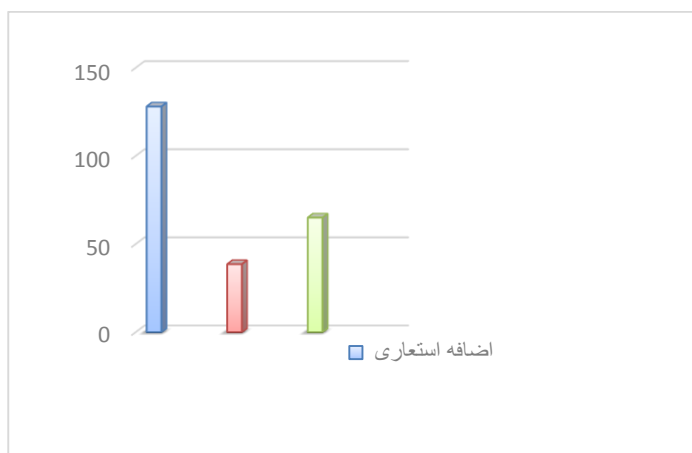
آمار و ویژگی سبکی: در این متن، ۶۵ مورد استعارهٔ مکنیه از نوع جمله است که ۵۳ مورد آن‌ها، تشخیص هستند که این بسامد بالای تشخیص، در این مورد نیز، مانند انواع پیشین استعارهٔ مکنیه، دلیلی بر خیال پردازی و روح ادبی اثر است.

- «شب، دامان ظلمت خود، فرو هشت» ۳۴/۴-۵. (شب: مشبه + انسان: مشبه به محذوف

+ دامان خود را فرو هشت: ویژگی انسان)

- «مهر جهان افروز، آرام گاه مغرب شتافت» ۱/۱۴ (مهر: مشبه + انسان: مشبه به محذوف

+ شتافت: ویژگی انسان)



نمودار ۵- بسامدسنجی انواع استعارهٔ مکنیه در کتاب بیتال عجم

۲-۲-۵-۳- تشخیص یا پرسونیفیکاسیون:

تشخیص، استعارهٔ مکنیه‌ای است که مشبه به محذوف آن، انسان باشد.

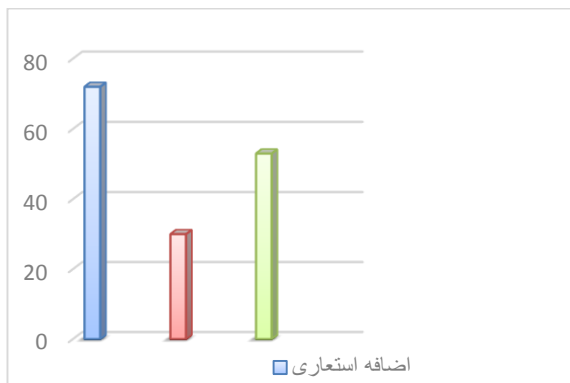
آمار و ویژگی سبکی: از مجموع ۲۲۷ استعارهٔ مکنیه، ۱۵۵ مورد آن‌ها تشخیص هستند و

فقط در ۷۲ مورد، جان‌بخشی اعمال نشده است. به‌طور کلی، در این متن:

- از مجموع ۱۲۸ مورد افزافهٔ استعاری، ۷۲ مورد تشخیص هستند.

- از ۳۴ مورد استعارهٔ مکنیه نوع ترکیب وصفی، ۳۰ مورد تشخیص هستند.

- از ۶۵ مورد استعارهٔ مکنیهٔ غیراضافی (جمله)، ۵۳ مورد تشخیص هستند.



نمودار ۶- بسامدسنجی انواع تشخیص در کتاب بیتال عجم

۲-۲-۶- مجاز

مقصود از مجاز در علم بیان، کاربرد واژه‌ها و جملات در معنای غیراصلی است، اولاً به شرط وجود قرینه تا مقصود اصلی فهمیده شود، ثانیاً باید بین معنای حقیقی و مجازی، رابطه‌ای وجود داشته باشد، که در علم بیان، به این رابطه، علاقه می‌گویند (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۰).

انواع مجاز:

- مجاز لغوی (مجاز مرسل مفرد): آن است که واژه‌ای در معنی اصلی خود به کار نرود (همان: ۲۲).

- مجاز مرکب: آن است که جمله‌ای در معنای اصلی خود به کار نرود. کنایه و استعاره مرکب، دو نوع مجاز مرکب هستند. فرق کنایه و استعاره مرکب در این است که در استعاره مرکب، نوع علاقه، شباهت است و همچنین احتیاج به قرینه لفظی دارد، حال آنکه در کنایه، قرینه معنوی است (همان: ۲۸-۲۹)، علاوه بر این، در استعاره مرکب، غیر از علاقه شباهت، بین حقیقت و مجاز، واسطه‌ای وجود ندارد در حالی که در کنایه، برای انتقال از معنای حقیقی و دریافت معنای مجازی (مکنی به و مکنی عنه)، باید از یک یا چند واسطه عبور کرد.

در این متن، در ۲۰۸ مورد، مجاز به کار رفته است که علاقه‌های آن‌ها عبارتند از:

۲-۲-۶-۱- **علاقه کلیت (ذکر کل و اراده جزء):** یعنی بتوان جزء را در معنی کل به کار

برد. (همان: ۲۲) ۱۳ مورد

«خاتون خود را بخدمت خدیو جهان می فرستم.» (ملک و سرزمین) ۱۶/۲۴۷-۱/۲۴۸

«شهریار جهان، این معنی بعز قبول متلقى سازند.» (ملک و سرزمین) ۴/۲۴۳-۵
۲-۲-۶-۲-علاقه جزئیت (ذکر جزء و اراده کل): یعنی بتوان جزء را در معنی کل به کار برد (همان: ۲۲) ۷۳ مورد.

«درین وقت مرغ و ماهی در آرام رفته و اهل جهان از باده نوم، بر بستر غفلت افتاده»
(کل موجودات) ۱۰/۶۹-۱۲.

«دل و جانم فدای عشوه دلنوازت» (دل و جان مجاز از کل وجود) ۴/۱۷۵.
- فرق (کل سر) ۱۱/۱۲۲- سر و فرق (کل وجود / کل سر) ۱۵/۱۳۰- فرق (کل وجود)
- ۱۶/۶۶- این حرف (جمله) ۵/۲۸- این کلمه (جمله) ۱۱/۲۲۶- دو کلمه (سخن) ۱۶/۹۲-
کف (کل دست) ۱۰/۲۳- خورد و کلان (همه) ۸/۱۷۹- زاغ و زغن (درندگان) ۴/۱۹۳-
صغیر و کبیر و برنا و پیر (همه) ۸/۱۸۶- نهان و آشکار (کل هستی) ۹/۹۵- لقمه در کام (غذا /
دهان) ۱۳/۵۹- اسب و فیل و ملک و مال (همه دارایی) ۱۶/۲۸۱- نمک (طعام) ۱/۸۴-
عورت (شرمگاه، زشتی، هر امری که انسان از آن شرم دارد. مجاز از زن/ ذکر مطلق و اراده
مقید) ۱۰/۴۱

۲-۲-۶-۳-علاقه محلیه (ذکر محل و اراده حال): یعنی ذکر جا و محل به جای جای گیر.
(همان: ۲۳) ۴۱ مورد

«جهانی بر چاه غبغبش، تشنه و عطشان مانده» (مردم جهان) ۳/۱۵۷.
«بوساطت محرمان تخت سلطانی و مسند جهانبانی، بپای سریر اعلی حاضر گشت»
(راجه) ۵/۱۲۰.

«تو برو و دعای ما بارگاه سلطانی و درگاه جهانبانی برسان» (راجه) ۱۵-۱۶ / ۴۷.
«از کدام بارگاه عالی، شجره امیدم، مثمر گردد؟» (مجاز از راجه) ۱۲-۱۳ / ۶۷.
«آن مدهوش ساغر شهوت را، این آواز بگوش رسید» (شراب) ۱/۲۱۵.

سریر اعلی (مجاز از راجه) ۹/۲۰۷- تخت خلافت (راجه) ۹/۲۴۴- اقداح (نوشیدنی)
۲/۲۰۱- سر (قصد) ۱۱/۲۹۳- عالمی (مردم عالم) ۱۰/۱۸۶- کمر (کمر بند) ۳/۱۷۴- میان
(میان به معنی کمر، مجاز از کمر بند) ۱۰/۱۶- سینه (قلب) ۱۶/۱۸- جهان (ثروت و ممالک
جهان) ۱۶/۲۶۰

۲-۶-۴-علاقهٔ حالیه (ذکر حال و ارادهٔ محل): یعنی ذکر جای گیر به جای جا. (همان:

۲۳) ۲۱ مورد

در این علاقه، کاربرد «زبان» به جای «دهان» بیشترین بسامد را داراست.

«مهر از گنج نطق برگشاده» (صندوقچهٔ گنج) ۱۳/۱۲۰.

«زبان زاژ خایان بیهوده گو بسته شود» (دهان) ۱۱/۱۵۲.

۲-۶-۵-علاقهٔ لازم و ملزوم: یعنی به کار بردن لازم و ملزومی به جای یکدیگر.

(شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۳) ۴ مورد

«ناحق در کوی نوحه، چون جنون کام سنجی نکنی.» (جنون و مجنون لازم و ملزوم

یکدیگرند) ۱۳-۱۲/۳۰۳

«آن قرهٔ العین سلطنت و این نور دیدهٔ وزارت، مضطرب گردیدند.» (سلطان/ وزیر) ۴۸/

۱۰-۹.

«تو که اولاد وارث تخت و تاج آن‌ها گشتی...» (قدرت و مقام شاهی) ۱۶-۱۵/۳۱۰.

۲-۶-۶-علاقهٔ سببیت یا علت و معلول: یعنی به کار بردن علت و معلول به جای

یکدیگر (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۴) ۶ مورد

«دم دوستی و لاف آشتی می‌زنند» (سخن) ۱۱/۲۹۸.

«مادر و پدرش، به علت حطام دنیوی، او را بخون سپردند. (کشتن/ خون مجاز از خون

بها علاقهٔ بدلیت) ۳-۲/۲۸۶.

«التزام بار خون خود، بر من مینداز» (قتل) ۱۲-۱۱/۲۳۴.

۲-۶-۷-علاقهٔ جنس: در این نوع، جنس چیزی را می‌گویند و خود آن را اراده می-

کنند (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۶) ۶ مورد

«تا کی او را بر زر و سیم فریفته خواهم داشت؟!» (دینار و درهم) ۱۵/۲۶۵.

«ترا آن قدر زر و سیم، بعوض این عطیهٔ کبری بدهم...» ۱۶/۲۶۳-۱/۲۶۴.

۲-۶-۸-علاقهٔ موصوف و صفت (ذکر صفت و ارادهٔ موصوف و صفت): در این

نوع، موصوف را حذف می‌کنند و صفت را جای آن به کار می‌برند. (شمیسا، ۱۳۸۳:

۲۶) ۳۰ مورد

«چشم ماده بر نر افتاد» (طوطی ماده/ طوطی نر) ۳/۹۰-۴.

«اکنون به پناه عالی رسیده» (حضرت عالی) ۹/۳۳۱.

(واژه فدویه در مقابل بزرگان، به جای کلمه «من» استعمال می شده./ من فدویه: من

جان نثار)

۲-۲-۶-۹- **علاقه مضاف و مضاف الیه (ذکر مضاف الیه و اراده مضاف و مضاف الیه):** در

این نوع، مضاف الیه، به جای تمام اضافه (مضاف و مضاف الیه) به کار می رود. (شمیسا،

۱۳۸۳: ۲۶) ۵ مورد

«راجه به بیم جان خویش، گفتارش را قبول نموده.» (از دست دادن جان) ۲۸۲/۹-۱۰.

«از هلال ناخنش، هلال عید، نحیف و نزار» (ماه عید) ۱۵۷/۱۵-۱۶.

۲-۲-۶-۱۰- **علاقه مجاورت:** واژه‌ای به سبب مجاورت، به جای واژه دیگری به کار می

رود. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۷) ۵ مورد

«بدل اندیشید.» (سر) ۶/۲۹۳.

«خیال دیگر بدل راه ندهی.» (سر) ۶/۲۵۷.

۲-۲-۶-۱۱- **علاقه ابزار کار:** کاربرد ابزار و وسیله کار، به جای خود کار است. ۴ مورد

«از زبان خلاق رهائی یابی و رسوای عام نشوی.» (سخن) ۴/۱۱۲.

«مطربان خوش زبان» (خوش سخن) ۱۲/۱۸.

۲-۲-۶-۱۲- **ذکر اسم به جای صفت**

«آن جوان سپاه، بدین و آئین خود مستقیم مانده.» (سپاهی) ۷/۱۴۶.

۲-۲-۶-۱۳- **ذکر صفت به جای اسم**

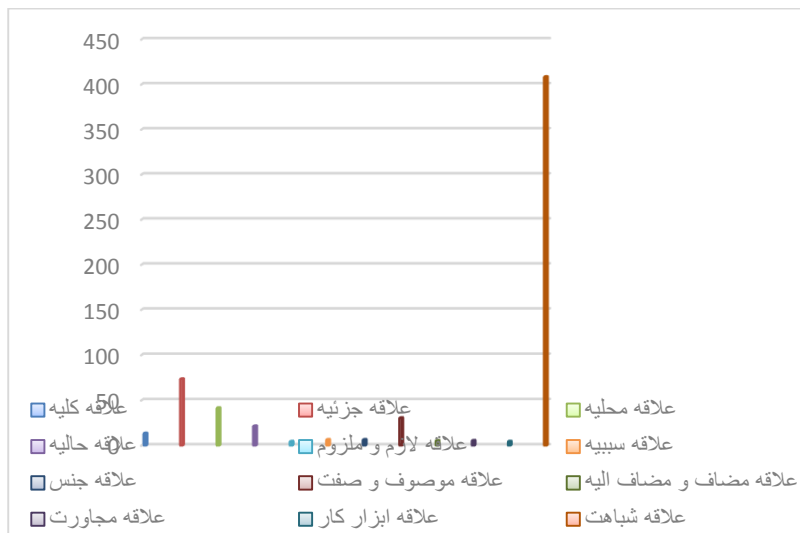
«بزلال وصال، از عطشان فرقت، آسوده و سیراب گشتند.» (عطشان: تشنه/ مجاز از عطش)

۶-۵/۸۹.

۲-۲-۶-۱۴- **علاقه شباهت:** این نوع مجاز، مهم‌ترین نوع مجاز در ادبیات است که به آن

مجاز بالاستعاره یا استعاره می‌گویند. پرکاربردترین نوع علاقه، در این متن نیز، علاقه شباهت

است. (۱۸۱ مورد استعاره مصرحه + ۲۲۷ مورد استعاره مکئیه = ۴۰۸ مورد علاقه شباهت).



نمودار ۷- بسامدسنجی انواع مجاز در کتاب بیتال عجم

۲-۲-۷- کنایه

آمار و ویژگی های سبکی: کنایه‌ها در این متن، به لحاظ انتقال معنای مقصود، با بسامد (۵۱۰۰مورد) اغلب قریب و نزدیک به ذهن هستند و تنها (۱۰۰مورد) بعید و دور از ذهن به شمار می‌روند. از نظر تعداد وسائط میان مکنی به و مکنی عننه نیز، ایما با (۵۱۰۰ مورد) رایج‌ترین نوع کنایه در این متن محسوب می‌شود. زیرا در اغلب کنایه‌های این متن، وسائط میان معنی اول و دوم اندک و معنی کنایه‌ای آشکار است و تنها در (۱۰۰مورد) وسائط میان معنی اول و دوم متعدد و فهم آن‌ها تا کمی دشوار است. از این رو، از نوع تلویح به شمار می‌روند. اما کنایه‌ای از نوع رمز که وسائط در آن مخفی باشد در این متن به کار نرفته است. کاربرد استادانه کنایه در این متن به حدی فراوان است که به ندرت می‌توان جمله‌ای را یافت که در آن، از کنایه استفاده نشده باشد.

۲-۲-۷-۱- به طور کلی از مطالعه کنایه در این متن، می‌توان به چند ویژگی رسید:

- نخست، کنایه‌ها اغلب از نوع ایما و قریب هستند و دریافت مفهوم آن‌ها آسان و نزدیک به ذهن است، به جز مواردی نادر.
- دوم، نویسنده در ساخت تعابیر غیر تکراری و متنوع کنایه‌ای برای یک مفهوم یکسان و مشترک مهارت دارد.

*به طور مثال عبارت‌های کنایه‌ای برای مفهوم « فرا رسیدن مرگ و مردن»:

- جان بحق تسلیم نمودن ۱۰/۲۹۴ - بمتقاضی اجل لیبیک گفتن ۱۲/۲۹۴ - قالب تهی ساختن ۱۴/۲۹۴ - دعوت ایزدی را لیبیک گفته، رهگرای منزل جاودانی شدن ۹/۳۰۲ - ۱۱ - جیب جانرا چاک زدن ۱۲/۳۰۲ - پیمانانه اجل لبریز شدن ۹/۳۱۰ - شربت ممت چشیدن و ازین دار فانی رحلت گزیدن ۱۰/۳۱۲ - ۱۲ - نوبت بجان رسیدن و جان بقالب تنگ شدن ۱/۲۱ - ۲ - مرغ روح بطیران آمدن ۴/۳۹ - جان بجان آفرین سپردن ۸/۴۸ - مرغ روح از قفس عنصری پرواز نمودن و ترک جان گفتن ۱۳/۵۵ - ۱۲ - پیمانانه عمر، مالا مال گشتن ۱/۷۱ - ازین دار فنا، بعالم بقا انتقال کردن ۱/۷۱ - ۲ - رحلت کردن ۴/۷۱ - مرغ هوش از اشیانه دماغ به پریدن ۷/۷۱ - بکسوف اجل، گرفتار شدن ۵/۷۳ - ودیعت نقد جان را، بحافظ حقیقی نمودن ۵/۷۶ - نقد جان خود را در باختن ۱۰/۷۸ - ردای حیات در بر، تنگ آمدن ۱۱/۱۵۱ - پیک اجل آمدن و نقد جان، بقبضه خود آوردن ۶-۵/۲۰۰ - ذایقه «کل نفس ذائقة الموت» چشیدن ۶/۲۰۱ - نهال زندگانی از بیخ و بن درافتادن ۶/۲۰۹ - از پا در آمدن ۳/۲۱۰ - بدر مرگ رسیدن ۱۱۵/۲۱۰ - جان عزیز را دادن ۸/۲۴۰ - بکوی عدم شتافتن ۱۰/۲۴۸ - از خنجر خون اشام بسمل گردیدن ۲/۲۱۷ - رشته زندگی را به تیشه زهر هلاهل بریدن و رهگرای ملک عدم گردیدن ۶-۷/۲۲۸ - جان عزیز را بر باد دادن ۵/۲۳۴ - جان عزیز خود را در ورطه هلاکت انداختن

*عبارت‌های کنایه‌ای برای مفهوم کشتن:

- بسمل ساختن ۱۱/۷۳ - نقد جان کسی را تلف نمودن و غارت کردن ۱۲/۳۳۱ - خلع جان نمودن ۱/۱۷ - کسی را دو نیم ساختن و سینه کسی را چاک چاک و پاره پاره کردن ۱۵/۱۷ - ۱۴ - هستی سوزاندن ۱۲/۶۱ - جان را در باختن و خود را نثار ساختن ۱۰/۷۲ - در گرداب هلاک انداختن و قاصد جان شدن ۱۱/۹۲ - ۱۲ - جانرا دو نیم نمودن ۱۱/۱۱۰ - ترک جان کردن ۱/۱۲۶ - بار سر از دوش رها کردن ۲/۱۳۹ - خود را در تق فنا پنهان ساختن ۱۱/۱۴۴ - سر چون کدو جدا ساختن و بدرکات اسفل السافلین رساندن ۱/۱۷۷ - ۱ - ۲ - بر سر دار رفتن، علایقات این دار فانی را پدرود کردن ۱۳/۱۸۰ - جان را رخصت کردن و وداع

ساختن ۶/۱۹۶- نقد جان در باختن ۱/۱۹۴- کار خود را از دشنه تمام ساختن ۴/۱۹۵- کار کسی را بآخر رساندن ۱۶/۱۹۵- سر را زیر قدم کسی انداختن.
- سوم این که، درک مفهوم کنایه ها، اغلب در گرو درک زیبایی اضافات تشبیهی، استعاری، اقترانی و تلمیحات است زیرا، عموماً در ساختمان کنایه های فعلی از این اضافات استفاده شده است.

۲-۷-۲-۲- رایج ترین شیوه های کاربرد و ساخت کنایه ها در این متن:

- نویسنده در خلق فعل ها و جمله های کنایه ای تازه و غیر تکراری، مهارت دارد. وی با یاری گرفتن از اضافه های تشبیهی، استعاری و اقترانی، فعل ها و جمله های عادی را به کنایه و شیوه بلاغی تبدیل نموده و به وفور، از این شیوه بهره برده است. به طور مثال، «شربت چشیدن»، جمله ای عادی است که به کمک اضافه تشبیهی «شربت ممان»، به کنایه تبدیل شده و مفهوم جمله به «مردن» تغییر نموده:

- پس از چندی، مهادهن مان، شربت چشید. ← شربت ممان چشید. ۳-۲/۹۴
یا «لباس پوشانیدن» را که یک جمله عادی است به کمک اضافه تشبیهی «لباس حیات»، به کنایه و مفهوم «زنده کردن» تغییر داده:

- آن ها را لباس پوشانی. ← آن ها را لباس حیات پوشانی = کنایه از زنده کنی ۱/۲۳۹
۲-۷-۲-۲-۱- به طور کلی، شیوه های ساخت فعل های کنایه ای را در این متن، می توان در سه شیوه دسته بندی کرد:

- شیوه ساخت کنایه های فعلی با استفاده از اضافه تشبیهی: این شیوه کاربرد بسیار فراوانی دارد.

«زن چون مروارید عقد شوهر دید، نقد هوش در باخت.» = کنایه از مردن ۱۶/۲۳۵-

۱/۲۳۶

«از نوازشات شما همین توقع دارم که باز آن ها را لباس حیات پوشانی و دوباره از عرصه

عدم در بیدای وجود آری.» کنایه از زنده کردن ۱۴/۲۳۸-۱/۲۳۹

- شیوه ساخت کنایه های فعلی با استفاده از اضافه استعاری: این شیوه نیز بسیار پرکاربرد

است.

«گوشهٔ عزلت و راه توکل گزید.» کنایه از گوشه نشینی و توکل نمودن ۱/۲۲۳
«زاویهٔ خمول اختیار کرد.» کنایه از گمنامی ۲/۲۲۳
«از همزادان و دمسازان، یکبارگی، درِ تکلم مسدود کرده.» کنایه از گوشه نشینی ۲/۲۲۷-

۴

- شیوهٔ ساخت کنایه های فعلی با استفاده از اضافهٔ اقترانی:
« سر شکر و فرق منت بر زمین نیاز سود.» = به نشانهٔ شکرگزاری و قبول منت و اظهار
نیاز، سر و فرق بر زمین سایید. ۶/۲۲۲-۷.
«سارق غدار با شمشیر آبدار، کمر محاربت بسته.» = کمر را به منظور محاربت بسته. ۱۹۱/
۸-۷.

۲-۲-۷-۲-۲- کاربرد کنایهٔ غیرفعلی به همراه اضافهٔ تشبیهی با فرمول: کنایه + اضافهٔ
تشبیهی

- آن غریق بحر عشق ۹/۱۹۹- آن غریق دریای محبت ۱/۲۰۰- ای سرشار صهبای
بیخودی و ای ره نورد جادهٔ بیخردی ۸/۲۰۰-۹- ای اورنگ آرای کشور عقل و دانائی
۲-۲-۷-۲-۳- استفادهٔ فراوان از کنایه های تلمیحی:

- ذایقهٔ «کل نفس ذایقهٔ الموت» خواهم چشید. ۶/۲۰۱
- « فاقتلوهم حیث وجدتموهم» را کار بند گردیدند. ۸/۲۲۴
- آهو، برق کردار بجست و رو در «فانتشرو» نهاد. ۱۴۸
- حوران و غلمان آفرین نمودند و ندای «هوالناصر و الفتح»، از روضهٔ رضوان خاست.
۱۵-۱۴/۳۳۴

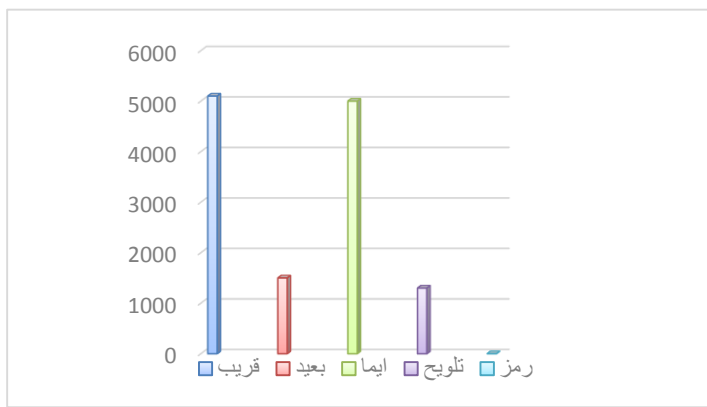
-[دستی] بجبل المیتن اختیار زدند. ۳۱۸

-هاروت فریب ۱۵/۱۹- زهره کردار ۱۵/۱۹- زهره جبین ۱۴/۳۱- زهره فریب ۱۲/۱۰۱-
ماروت فریب ۱۴/۳۱- ارسطو منش ۱۳/۲۳- حور کردار ۱۳/۲۳- حور لقا ۱۱/۶۲۲- فرهاد
خصال مجنون وش خسرو مثال ۱۴/۲۷- ناهید نوا ۷/۳۵- فرهاد منش ۷/۳۶- رستم
همت ۳/۶۶- رستم نهاد ۱۲۶- مجنون فریب ۱۱۸- زهره جبین، مشتری صورت، عطارد
سریرت ۲/۱۵۲- ماروت وش مجنون سرشت ۳۰- لقمان فطرت بوعلی سیرت ۳۸- عزرائیل

نشان ۴۱- عزرائیل خصل ۱۱۳- اسفندیار میدان ۵۱- سایه خدای ۶۵- سلیمان صفت ۶۶- راجه جمجاه

۲-۲-۷-۲-۳- استفاده فراوان از کنایه های عربی:

یوم النشور (قیامت) ۷/۷۴- خالق الانام (خدا) ۱/۶۹- مالک الرقاب الامم (فرمان روا) ۵۱- ربع مسکون (هفت اقلیم، بخشی از زمین که خاک است نه آب) ۵۳- ناقص العقل (نادان) ۴۳- بی بدل عديم المثل (یکتا و بی نظیر) ۲۴- اولوالابصار (خردمندان) ۲۲- بازار ملک الموت (رونق مرگ) ۱۵- وحید العصر نادر الزمان ۱۲- جامع الفنون ۹- مرقومه الصدر ۹- جامع المتفرقین (خدا) ۱۰/۹۰- ابن السبیل (مسافر) ۱۳/۹۵- طرفه العین (زمان کوتاه) ۵/۹۷- ۷- فتح الباب (گشایش امور) ۱۲/۱۱۲- ابد الدهر (همیشه) ۷/۱۱۳- یوم الجزا (قیامت) ۷/۱۱۵- ملک العلام (خداوند) ۷/۱۳۹- لاثانی (بی نظیر و یکتا) ۱/۱۴۶- دارالجزا (قیامت) ۴/۱۶۲- فایز المرام ۱۶/۲۱۰- دایم الدهر.



نمودار ۸- بسامدسنجی انواع کنایه در کتاب بیتال عجم

۳- نتیجه

بیتال عجم، نه تنها به عنوان یکی از ترجمه های فارسی داستان های باستانی سانسکریت، اهمیت دارد بلکه دارای زبانی ادبی و تصویری فوق العاده است که آرایه کنایه، با بالاترین بسامد ۵۲۰۰ مورد و سپس به ترتیب، تشبیه ۱۳۳۲ مورد، استعاره ۴۰۸ مورد و مجاز ۲۰۸ مورد نقش چشمگیری در خلق تصویرهای شاعرانه آن دارند و این اثر را در زمره آثار فنی قرار داده و نشان می دهد که مترجمان هندی آن، در حوزه دانش ادبی فارسی تبخّر داشته و

در استفاده از فنون ادبی روشمند و صاحب سبک بوده‌اند. در این میان، کاربرد کنایه با بیشترین بسامد در این اثر، ویژگی‌های سبکی خود را دارد که شاخص‌ترین آن‌ها عبارتند از: کاربرد استادانه صدها عبارت فعلی کنایه‌ای غیرتکراری برای ادای یک معنای واحد؛ ساخت فعل‌های کنایه‌ای با کمک اضافه تشبیهی، اضافه استعاری و اضافه اقترانی؛ ساخت کنایه‌های غیرفعلی با کمک اضافه تشبیهی؛ ساخت فراوان کنایه‌های تلمیحی و فراوانی کنایه‌های قریب و ایما.

بعد از کنایه، تشبیه با ۱۳۳۲ مورد در رتبه دوم قرار دارد که مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی آن عبارتند از: استفاده فراوان از ترکیب‌های وصفی تشبیهی ۱۱۳ مورد به خصوص در آغاز حکایت‌ها که با اغراق در توصیف شخصیت‌ها و کاربرد تنسیق الصفات‌ها و تابع اضافات پی درپی، همراه شده است. از میان انواع تشبیه، از نظر شکل، تشبیه مفروق با ۲۲۵ مورد بیشترین بسامد را دارد که این امر نشان دهنده سادگی خیال و عدم پیچیدگی ذهن است. بعد از تشبیه مفروق، تشبیه تسویه با ۱۰۲ مورد و تشبیه جمع با ۵۶ مورد بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند و انواع دیگر محدود هستند. از میان انواع تشبیه، از نظر حسی و عقلی، تشبیه حسی به حسی با ۶۷۰ مورد بالاترین بسامد و تشبیه عقلی به حسی با ۶۱۰ مورد دومین رتبه را دارا است که این امر بیانگر وضوح و سادگی اغلب تشبیهات است.

همچنین از نظر گسترده و فشرده بودن تشبیهات، اغلب تشبیهات فشرده هستند و اضافه تشبیهی بلیغ، با ۸۵۰ مورد بالاترین بسامد را دارا است. کاربرد اضافه تشبیهی در این متن، روشمند است و از چند ویژگی سبکی خاص پیروی می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: اضافه‌های تشبیهی (۸۴۶ مورد از ۸۵۰ مورد)، «مشبه‌به» به «مشبه» اضافه شده. از مجموعه ۸۵۰ مورد اضافه تشبیهی، اغلب آن‌ها ۵۸۰ مورد از نوع عقلی به حسی هستند و ۲۶۷ مورد نیز، حسی به حسی. برقراری مراعات نظیر بین مشبه و مشبه‌به‌های چند اضافه تشبیهی، در موارد بسیاری ۲۲۵ مورد سبب خلق لف و نشر و تشبیه مفروق شده است. برقراری سجع بین چند اضافه تشبیهی در پاره‌های کلام، در موارد متعدّد، سبب ایجاد رابطه موسیقایی بین آن‌ها شده است. بعد از تشبیه، استعاره با ۴۰۸ مورد بیشترین بسامد را دارا است که در این میان، استعاره مکنیه با بسامد ۲۲۷ مورد بیشتر از استعاره مصرّحه (۱۸۱ مورد) استفاده قرار

گرفته که خود نشانه خیال انگیزتر بودن اغلب استعاره‌هاست، به‌ویژه که اغلب آن‌ها (۱۵۵ مورد) تشخیص نیز دارند. این درحالی است که استعاره‌های مصرحّه، بیشتر مطلقه (۸۳ مورد) و مجرد ۷۸ مورد و واضح هستند و فقط تعداد معدودی در ۲۰ مورد مرشحه و پیچیده است. از میان انواع استعاره مکنیه نیز اضافه استعاری با ۱۲۸ مورد بیشترین کاربرد را دارا است و سپس استعاره مکنیه از نوع جمله با ۶۵ مورد قرار دارد. اما علاوه بر این دو نوع استعاره، نوعی دیگر اضافه استعاری به‌شیوه ترکیب وصفی، ساخته شده که بسامد آن (۳۴ مورد) کم نیست و جزء سبک اثر محسوب می‌شود. آرایه مجاز منهای علاقه‌های شباهت با ۲۰۸ مورد کمترین بسامد را دارا است که در این میان، علاقه جزئی با ۷۳ مورد بیشترین کاربرد را دارد.

پی نوشت‌ها:

- ۱- بیتال پجیسی سانسکریت، بخش نهم از کتاب دوازدهم اثر باستانی هندو، کاتا ساریت ساگارا است که در قرن یازدهم میلادی به وسیله سومادوا، به درخواست سوریاباتی، ملکه کشمیر، برای سرگرمی نوه‌اش گردآوری شده است.
- ۲- شمیسا عبارت «گوش هوش» را اضافه اقترانی دانسته است. این ترکیب، ۱۰ بار در این متن به کار رفته که فقط یک مورد آن، اضافه استعاری است (۵/۲۰۲).

منابع

کتاب‌ها

- ۱- بهار، محمدتقی، (۱۳۸۶)، سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، تهران: امیرکبیر.
- ۲- سلاجقه، پروین، (۱۳۷۸)، درآمدی بر زیباشناسی شعر معانی و بیان، تهران: چکاد.
- ۳- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۷)، سبک‌شناسی نثر، چاپ دوم، تهران: میترا.
- ۴- -----، (۱۳۸۳)، بیان و معانی، چاپ هشتم، تهران: فردوس.
- ۵- کیشان، مهاراجا مدهو و کیشان، بهادر ایندرا، (بی تا). بیتال عجم، کلکته: مطبع محمدی، [نسخه خطی] تألیف ۱۲۴۵-۱۲۵۶ ه. تاریخ کتابت: ۱۲۴۷ ه.
- ۶- ولا، مظهر علی‌خان، (۱۹۶۵). ادبیات کلاسیک اردو بیتال پجیسی، مقدمه و تصحیح گوهر نوشاهی. لاهور: مجلس ترقی ادب اردو.

۷- همایی، جلال الدین، (۱۳۷۷)، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، چاپ چهاردهم، تهران: نشرهما.

مقالات

۱- رضازاده، نسرین؛ محمدزاده، مریم و صادقی نژاد، رامین، (۱۳۹۸)، «بررسی

تطبیقی آداب و رسوم اجتماعی در شاخه ایرانی شعر دوره صفوی»، *مجله جستارنامه ادبیات تطبیقی*، دوره ۳، شماره ۷، صص ۱۴-۲۴.

۲- علوی، رقیه، (۱۳۹۹)، «آموزه‌های ملی و مذهبی در مطابقت و درون‌مایه‌های آیین

خیال صائب» *مجله ادبیات تطبیقی*، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۱۶-۳۶.

ج- انگلیسی

۱- Ghasemi, H. (۲۰۱۴). **Descriptive Catalogue of Persian Translations of Indian Works**. New Delhi: National Mission for Manuscripts.